

# نهیب حادثه

واکاوی ناآرامی‌های ۱۴۰۱

جمیله کدیور

انتشارات امید ایرانیان



تهران - ۱۴۰۲

سرشناسه: کدیور، جمیله، ۱۳۴۲ -

عنوان و نام پدیدآور: نهیب حادثه، واکاوی ناآرامی‌های ۱۴۰۱/جمیله کدیور.

مشخصات نشر: تهران: امید ایرانیان، ۱۴۰۲.

مشخصات ظاهری: ۲۴۶ ص.؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.

شابک: 978-964-8978-42-1

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

موضوع: فتنه و فتنه‌انگیزی -- ایران

Sedition-- Iran

موضوع: ایران -- تاریخ -- جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸ -- اعتراض‌ها، ۱۴۰۱

Islamic Republic, 1979 -- Protests, 2022 Iran -- History --

رده بندی کنگره: ۱۵۹۱DSR

رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۴۴۰۴

شماره کتابشناسی ملی: ۹۲۲۷۹۹۸

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا



نهیب حادثه (واکاوی ناآرامی‌های ۱۴۰۱)

جمیله کدیور

طراح جلد: ایلیا تهمتی

صفحه‌آرا: ابراهیم توکلی

چاپ اول: ۱۴۰۲

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۱۶۰۰۰۰ تومان

شابک: 978-964-8978-42-1

ISBN: 978-964-8978-42-1

omidiranian.info@gmail.com

http://omid-iranian.ir/

https://www.instagram.com/omidiranian\_publications/

همه حقوق مادی و معنوی چاپ و نشر این کتاب برای انتشارات امید ایرانیان محفوظ است.

## فهرست مطالب

۹	مقدمه: از انقلاب ۱۳۵۷ تا ناآرامی‌های ۱۴۰۱
۱۹	خیزش، جنبش یا انقلاب؟
۲۹	فرصتی برای تفاهم
۳۷	تأملی در تأسیس و تعطیلی گشت ارشاد
۴۹	رنگین کمان معترضان
۵۹	واکاوی شعارها
۶۷	چلبی‌های فلابی
۷۳	پیش به سوی رهبرسازی
۹۷	رویکردهای مختلف برای تغییر
۱۰۳	رسانه‌ها؛ سندهای جنگ روانی
۱۱۱	خشونت‌پرهیز یا خشونت‌آمیز؟
۱۱۹	نیم ملی؛ آوردگاه دوستان و دشمنان
۱۲۵	دو قطب‌سازی: مردم در مقابل مردم
۱۳۳	محدودیت‌های اینترنتی
۱۴۱	خوشه‌چینی داعش از فضای ملت‌ب
۱۵۳	اقدامات وسیع برای انزوای جهانی ایران
۱۶۳	هدف ایران است، سپاه بهانه
۱۷۳	شبهاتی برای راستی‌آزمایی

۱۸۱	..... معادله دو مجهولی مسمومیت و امنیت
۲۰۰	..... سخن آخر: درس‌هایی از ناآرامی‌های ۱۴۰۱
۲۱۲	..... فهرست منابع
۲۳۶	..... نمایه
۲۴۵	..... از همین نویسنده

mikhanam.com

## مقدمه

### از انقلاب ۱۳۵۷ تا ناآرامی های ۱۴۰۱

در ماه هایی که منجر به انقلاب ۱۳۵۷ شد، نوجوان و ساکن شیراز بودم. در اکثر برنامه ها و تجمعات یا همراه خانواده و یا با دوستان و هم کلاسی ها شرکت می کردم. تظاهرات و راهپیمایی ها با شعارهایی مشخص و هدفمند و بدون اقدام خشونت آمیزی از سوی معترضان، با هدایت و رهبری روحانیت شهر ما که در آن ایام شهید آیت الله سید عبدالحسین دستغیب و برادرزاده هایش، حجج اسلام، آقایان سیدعلی محمد دستغیب و سیدعلی اصغر دستغیب، محور اصلی تجمعات بودند و حرکت ها و سخنرانی های انقلابی از شاهچراغ و دیگر مساجد شهر، بخصوص مسجد آتشی ها (مسجد قبا) و مسجد الرضا برگزار می شد. بی اغراق شرکت در تظاهرات سال های ۵۶ و ۵۷ بزرگترین تجربه سیاسی زندگی بسیاری از مردم، بخصوص هم نسلان من بود. در آن روزها هم فرار از شلیک گلوله ها را تجربه کردیم، هم گازهای اشک آور چشم و حلق و گلوهایمان را سوزاند، هم درهای خانه ها به رویمان با محبت باز شد و ما را از هجوم تعقیب کنندگان امان داد، هم همراه با ضبط صوت ها و بلندگوهایی که در خانه داشتیم، شعارهای شبانه دادیم، و هم همدلی های ناب و کمک های بی بدیل مردمی را در طی روزهای اعتراض شاهد بودیم.

ماه های پیوسته به پیروزی انقلاب ۵۷ برای بسیاری تمرین سیاست و ورزی با رویکردی اخلاقی بود. در آن ایام، از زاویه دید یک دختر نوجوان

شهرستانی، خود را مثل میلیون‌ها ایرانی دیگر، در جنبشی انقلابی علیه یک دیکتاتوری وابسته و در ساختن یکی از بزرگترین اتفاقات تاریخ معاصر بر ضد نظام سلطه، نه فقط در داخل کشور، بلکه ضد سلطه جهانی سهیم و مؤثر می‌دانستم و چه حس غروری داشتم؛ هر چند به دلیل سن کم در فروردین ۱۲ فروردین سال ۵۸ نتوانستم شرکت کنم، ولی در آن روز در مراکز رأی حضور یافتم و از نزدیک شاهد حضور گسترده مردم در پای صندوق‌های اخذ رأی بودم.

انقلاب ۵۷ بی‌آنکه بخواهم به آنچه در طی سال‌های بعد از پیروزی انقلاب و تثبیت نظام جمهوری اسلامی ایران تا به امروز رخ داده است، پردازم و در این مجال در صدد قضاوت و یا بررسی آن نیستم، از جمله غیرخسوت‌آمیزترین انقلاب‌های تاریخ معاصر و به تعبیر میشل فوکو، متفکر و فیلسوف فرانسوی، نمایانگر «اراده جمعی»<sup>۱</sup> (فوکو، ۱۳۸۰: ۵۷) میلیون‌ها ایرانی برای تغییر بود؛ انقلابی که «معنویت‌گرایی سیاسی»<sup>۲</sup> (فوکو، ۱۳۷۸: ۱۵۴) اساس و خمیرمایه آن را تشکیل می‌داد و تلاشی بود برای ورود معنویت به عرصه سیاست بر اساس باورهای دینی و ارزش‌های اخلاقی و تحقق رؤیای آرمانی. انقلابی که گوهر اصلی آن هم اسلامی بود و هم ملی با رویکرد و جهت‌گیری استقلال‌طلبانه و معترض به وابستگی به بیگانگان و چپاول ثروت‌های ملی و علیه دخالت آمریکا در امور کشور. انقلابی که در آن هیچ حزبی پیشگام نبود، بلکه اقشار مختلف مردم از دارا و ندار، پیر و جوان، زن و مرد، از گرایش‌های بسیار نامتجانس فکری اعم از مذهبی و غیر مذهبی، چپ و راست، با دستان خالی و غیر مسلح در مقابل یکی از قدرتمندترین

۱. فوکو، میشل، «ایران: روح یک جهان بی‌روح»، در ایران: روح یک جهان بی‌روح و نه گفت‌وگوی دیگر، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده، تهران: نشر نی، ۱۳۸۰.

۲. فوکو، میشل، «مصاحبه با میشل فوکو»، در باقر برهام، باهم‌نگری و یکسانگری: مجموعه مقالات، تهران: آگاه، ۱۳۷۸، صص ۱۵۸-۱۴۹.

نظام‌های منطقه با ارتشی قوی و مدرن و مجهز شرکت داشتند. مردم آنچنان انبوه به میدان آمده بودند که احزاب در موج دریای حضور مردم غرق شدند و دیگر جایی و مجالی برای احزاب مسلح و غیر مسلح نبود. مردمی باورمند که با پشت گرمی و اعتماد کامل به رهبری امام خمینی، نه با انگیزه‌های مادی، بلکه با هدف تحول در اندیشه، تغییر در سبک زندگی و مناسبات سیاسی و اجتماعی و فرهنگی حاکم، به تجمعات اعتراضی ورود می‌کردند و بر علیه نظام وابسته حاکم شعار می‌دادند و آرزوی نظامی آرمانی داشتند که پایه‌گذار نظامی نو مبتنی بر ارزش‌ها و باورهای جدید باشد. رهبری انقلاب تجسم وحدت و اراده عمومی مردم بود و با بسیج و تهییج توده‌های میلیونی مردم به کمک شبکه‌هایی که در مساجد و محافل مختلف شکل گرفته بود، پیام خود را به ملت منتقل می‌کرد؛ انقلابی که رسانه‌های آن کابیت‌های ضبط‌صوت و اعلامیه‌ها و منابر مساجد و سازمان‌های دانشجویی و محافل روشنفکری بود و مردم از آن طریق در جریان پیام‌های انقلاب قرار می‌گرفتند.

به این نکات اشاره کردم که به عنوان یک شاهد عینی به تمام مؤلفه‌هایی که در آن ماه‌ها از جنبشی انقلابی که در جریان سواد و آن را زندگی کردم، به عنوان تجربه زیسته خود روایت کنم. تا جایی که ذهنم یاری می‌کند تا زمان پیروزی انقلاب هیچ‌گاه سخنی از انقلاب یا جنبش انقلابی نبود. در تظاهرات شرکت می‌کردیم، ولی تا ۲۲ بهمن نگفتم انقلاب در جریان است. در تأیید همین مدعا، میشل فوکو می‌گوید که در مدت اقامت در ایران، حتی یک بار هم لفظ «انقلاب» را از کسی نشنیده است. فوکو (۱۳۷۷: ۶۵) پس از بازگشت از ایران در پاسخ به این سؤال که آیا وقایع ایران را می‌تواند انقلاب بنامد؟ می‌گوید: «انقلاب نیست، یعنی نوعی از جا برخاستن و برپا ایستادن نیست، بلکه قیام انسان‌های دست خالی است که می‌خواهند باری را که پشت همه ما، و بویژه پشت ایشان، بر پشت کارگران نقت، این کشاورزان مرزهای میان امپراطوری‌ها، سنگینی می‌کند از میان بردارند یعنی بار نظم

جهانی را. شاید این نخستین قیام بزرگ بر ضد نظام‌های جهانی باشد، مدرن‌ترین و دیوانه‌وارترین صورت شورش.<sup>۱</sup> از جمله نخستین افرادی که برای تظاهرات و تجمعات سال ۵۷ تعبیر انقلاب را به کار برد، محمدرضا پهلوی، شاه ایران بود؛ زمانی که در ۱۵ آبان ۱۳۵۷ در تلویزیون ملی ایران گفت: «... انقلاب ملت ایران نمی‌تواند مورد تأیید من به‌عنوان پادشاه ایران و به‌عنوان یک فرد ایرانی نباشد... من نیز پیام انقلاب شما ملت ایران را شنیدم... بدانید که در راه انقلاب ملت ایران علیه استعمار، ظلم و فساد، من در کنار شما هستم.»<sup>۲</sup> البته فرح پهلوی سال‌ها بعد، در پیام ۲۲ بهمن خود در سال ۱۴۰۰ از انقلاب ۵۷ با عبارت «فته ۲۲ بهمن» یاد کرد.<sup>۳</sup> بعد از تجمعات ۱۴۰۱ نیز، در حالی که برخی ناآرامی‌های جاری را انقلاب می‌خواندند، از انقلاب ۵۷ به عنوان شورش ۵۷ یاد کردند! تعبیری که قبلاً نیز توسط سلطنت‌طلبان استعمال شده بود.

چهل و چهار سال از آن روزها که به پیروزی انقلاب اسلامی ایران منجر شد، می‌گذرد. حساب انقلابی که پیشی بر «معنویت سیاسی» و «زبانی مشترک» بود و مناسبات افراد را بر اساس رابطه‌ای جدید شکل می‌داد، را باید از تحولات پس از پیروزی انقلاب با همه افت و خیزهایی که در ایجاد آن فضا تا به امروز، بسیاری، اعم از دشمنان خارجی و داخلی و دست‌اندرکاران امر طی این چهار دهه و اندکی نقش داشتند، جدا کنیم.

به رغم همه افت و خیزها، اگر با نگاهی واقع‌گرایانه بنگریم، تصور نمی‌کنم کشوری در این زمانه این همه اتفاق را در طی دورانی کوتاه و در پی

۱. فوکو، میشل. ایرانی‌ها چه رؤیایی در سر دارند؟ ترجمه حسین معصومی همدانی، نشر هرمس، تهران: ۱۳۷۷.

۲. سخنرانی آخر محمدرضا شاه پهلوی در تلویزیون ملی ایران، صدای انقلاب شما را شنیدم. <https://www.namasha.com/v/2OFFm77Q/>

۳. «پیام شهبانو فرح در سالگرد فته ۵۷»، مشروطه. ۲۰۲۲/۲/۱۰. <https://mashrootch.com/>



یک انقلاب متحمل شده و همچنان استوار باقی مانده باشد. در طی این ۴۴ سال در کشور، هم شاهد کودتا، هم تحمیل جنگ خارجی، هم جنگ داخلی، هم ترور در سطوح مختلف از عالی‌رتبه‌ترین مقامات کشوری و لشکری تا شهروندان عادی، هم نبرد قدرت بین انقلابیون، و هم تحریم اقتصادی بوده‌ایم. اتفاقاتی که هر یک به تنهایی برای شکست یک انقلاب و زمین زدن یک نظام و از هم گسیختن یک کشور و بریدن یک ملت کفایت می‌کند. به رغم همه این اتفاقات و همه ضعف مدیریت‌ها و اشکالات، ایران متحد و مقتدر و یکپارچه باقی ماند. هر چند فشار اصلی همه این اتفاقات بر گروه مردم نجیب ایران بوده و هست و هر از چندی به طرق مختلف، اعم از شرکت یا عدم شرکت در انتخابات یا حضور در تجمعات سعی کرده‌اند مطالبات و خواسته‌های خود را به طرق مسالمت‌آمیز به گوش دست‌اندرکاران برسانند؛ اگر چه عمدتاً نه فقط تغییری در نوع رویکرد و عملکرد حاکمیت در مواجهه با مسائل مبتلابه جامعه ایجاد نشده، بلکه در مقاطعی بر شدت عمل مجربان اضافه شده است.

طی این سال‌ها تجمعاتی بحق با جنبه‌های مختلف سیاسی، صنفی، دانشجویی، جنسیتی، اقتصادی، زیست محیطی و فرهنگی در سطح جامعه شکل گرفته، که عمدتاً خواهان تغییر و بهبود و اصلاح در زمینه‌ای مشخص بودند و هیچکدام به جز آخرین نمونه که در واکنش به بازداشت و مرگ مهسا (ژینا) امینی شکل گرفت، ادعای انقلاب نداشتند. این تجمعات هر چند به لحاظ ماهیت و خواسته‌ها و مدت استمرار با تجمعات قبلی متفاوت بود، ولی باید آن را در بستر و ادامه نارضایتی‌ها در رخداد‌های قبلی تلقی کرد. اکثر این اتفاقات توسط متولیان امر جدی گرفته نشدند. ناآرامی‌های اخیر که در آن عمدتاً طیف‌هایی از بین نسل نوجوان و جوان ایفای نقش کردند، تجمعاتی بود که سر ریز خشم انباشته و نادیده و ناشنیده شدن‌ها و واکنشی به تحقیرها و انکارها بود و با یک جرقه (مرگ دلخراش خانم امینی - در پی بازداشت توسط

گشت ارشاد - در ۲۵ شهریور ۱۴۰۱) برون ریخت و با سوء عملکرد دولتمردان از یک سو و با مدیریت سلبریتی‌ها و آتش بیاری زرادخانه‌های رسانه‌ای فارسی زبان وابسته به کشورهای عربی و غربی در خارج کشور، از سوی دیگر چندین ماه ادامه یافت. تجمعات ۱۴۰۱ با اینکه تا به امروز هیچ یک از مؤلفه‌های انقلاب (از جمله جمعیت توده‌ای، سازماندهی، رهبری، ایدئولوژی انقلابی و تضعیف و ریزش قوای قهریه و امنیتی حکومتی) را نداشته، از سوی برخی ناظرین و تحلیلگران به صرف بعضی شعارهای براندازانه و ضد حکومتی معترضین، بدون در نظر گرفتن اینکه نه غالب مردم ایران، نه کشورهای منطقه و جهان هیچ یک از وقوع انقلابی جدید در ایران به دلیل عواقب مترتب ناشی از آن استقبال نمی‌کنند، به عنوان انقلاب تلقی و تعریف و تکرار شده است. این ناآرامی‌ها هر چند به دلیل برخی شعارهای رادیکال، در مقاطعی جنبه سیاسی با رویکردی سرنگون طلبانه و انقلابی و خشن گرفت، ولی صبغه اصلی آن تجمعات اعتراضی عمدتاً فرهنگی و اجتماعی بود و البته موجب آثار و تغییراتی نیز در این حوزه‌ها شد. این ناآرامی‌ها که به یمن رسانه‌های متنوع مجازی و رسانه‌های جریان اصلی و حمایت سلبریتی‌ها بُرد قابل ملاحظه جهانی به خود گرفت، در درجه نخست شورش بود علیه سبک زندگی تجملاتی حاکم و درخواست سبک زندگی مطلوب نسل جوان معترضین. از جمله ویژگی‌های غالب این ناآرامی‌ها را می‌توان در رویکرد غیر دینی معترضین دانست که خواهان زدودن وجهه اسلامی از هویت ایرانی خود بودند. شعارها، ادبیات، نمادها، برنامه‌ها و اجراهای هنری، نوع پوشش و آرایش معترضین چه دختر و چه پسر نمایانگر خواسته‌های آنهاست که شاید بتوان در یک عبارت زندگی راحت، نرمال، آزاد از قید و بند و بدون هر گونه قضاوت از سوی دیگران، مشابه زندگی شهروندان جوان در کشورهای دیگر خلاصه نمود. خواسته‌ای که همانقدر که برای دولتمردان در ایران غریب و ناشناخته است، هیچ نسبتی نیز با تلاش‌های

اپوزیسیون برانداز خارج کشور برای نمایندگی و یا وکالت از آنها نداشته و ندارد. بعلاوه، بر خلاف تلاش‌هایی که برای محدود کردن این جنبش به «نسل زد» و تلقی آن به عنوان «انقلابی زنانه» در جهت ایجاد جذابیت بیشتر، بخصوص جلب مخاطب و حمایت خارجی صورت گرفته و می‌گیرد، این تجمعات هر چند حول شعار محوری عاریه‌ای «زن، زندگی، آزادی»<sup>۱</sup> شکل گرفت، محدود به زنان و دختران نبود. همچنین، اختصاص به «نسل زد» نیز نداشت و در آن گروه‌های مختلف سنی اعم از نوجوان و جوان حضور داشت. از آن انقلاب تا این تجمعات و به زعم برخی انقلاب جدید، راه درازی طی و جان‌های زیادی فدا شده است. انقلاب ۵۷ نماد موفق همزمانی وجود سه گانه حضور گسترده مردم، رهبری فراگیر و محبوب، و ایدئولوژی مبتنی بر قرآنی‌رحمانی از آموزه‌های دینی بود. سه محوری که هیچ یک در ناآرامی‌های اخیر مشهود نبود؛ نه حضور گسترده مردم، نه رهبری فراگیر و مقبول همه و نه ایدئولوژی مشخصی که عامل اتحاد معترضین باشد.<sup>۲</sup>

این نوشتار شامل مجموعه مقالاتی است که از بدو تجمعاتی که با شعار «زن، زندگی، آزادی» در پی مرگ غم‌انگیز مهسا (ژینا) امینی آغاز گردید، در روزنامه اطلاعات و دیگر سایت‌های داخل ایران منتشر شد و اکنون با اصلاحات و محذوفات و تکمله‌هایی به مقالات منتشره در اختیار خوانندگان قرار می‌گیرد. در این مجموعه مقالات به موضوعاتی همچون ریشه‌یابی و کالبدشکافی موضوع وحدادهای ۱۴۰۱ در بستر فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جامعه؛ مطالعه این اتفاقات ذیل طبقه‌بندی مناسب اعم از خیزش، جنبش یا انقلاب؛ شناسایی طیف‌های متنوع معترضین و خواسته‌های

۱. در مورد علت عاریه‌ای بودن این شعار در مطلبی که پیرامون واکاوی شعارهای ناآرامی‌ها نوشتیم، توضیح دادیم.

۲. این مطلب در شماره ۲۸۳۲۴ روزنامه اطلاعات، ۱۶ بهمن ۱۴۰۱ منتشر شد.

آنها؛ بررسی شعارهای تجمعات؛ معرفی مدعیان رهبری نآزامی‌ها و اقدامات آنها در خارج و داخل کشور؛ مطالعه تلاش‌های اپوزیسیون برانداز برای به انحراف کشاندن و مصادره تجمعات؛ مطالعه عملیات پیچیده و چند لایه برای انزوا و مشروعیت‌زدایی جمهوری اسلامی ایران در محافل بین‌المللی؛ بررسی اقدامات زرادخانه رسانه‌ای فارسی زبان وابسته به کشورهای عربی و غربی، همچون ایران اینترنشنال و بی‌بی‌سی فارسی در ایام نآزامی‌ها؛ اشاره به پیامدهای حاصله از نآزامی‌ها؛ مطالعه واکنش‌های مردم داخل و خارج کشور به تجمعات؛ وضعیت ورزش کشور در دوران رخداد های ۱۴۰۱، بخصوص ایام جام جهانی فوتبال ۲۰۲۲ در قطر؛ نحوه برخورد حاکمیت با نآزامی‌ها و اقدامات به عمل آمده؛ بهره‌برداری داعش از فضای ملت‌تپ جامعه با حمله تروریستی به شاهچراغ شیراز؛ بررسی مسوومیت دانش‌آموزان مدارس و ارتباط احتمالی با موضوع آن حوادث؛ و درس‌هایی که باید از نآزامی‌ها گرفت، پرداخته شده است. از جمله موضوعاتی که در این کتاب، جای آن خالی است و نیاز به نوشتاری مستقل در این رابطه است، قربانیان رخداد های ۱۴۰۱ است؛ چه از جمع معترضان، چه از نیروهای حافظ نظم و امنیت، و چه مردمی عادی که شاید نتوان آنها را در دو تقسیم‌بندی فوق قرار داد و از بد حادثه در زمان و مکانی که تجمعات برگزار می‌شده، گذر شان افتاده و هدف قرار گرفته‌اند. امیدوارم در آینده با دستیابی به اطلاعات مکفی به این مهم پردازم.

طبیعی است که با توجه به کمبود اطلاعات منتشره از سوی مراجع رسمی و عنایت به اینکه این نوشته‌ها اکثراً هم زمان با وقوع تجمعات در رسانه‌های داخلی منتشر شده، به سبک و سیاقی متناسب با تحولات روز نوشته و تنظیم و تکمیل شده و امید است با گذشت زمان و دسترسی بیشتر به داده‌های مرتبط با این موضوع، امکان تحلیل‌های دقیق‌تر و عمیق‌تر فراهم گردد.